

«سرآمد» بررسی می‌کند؛

آرایش جنگی بانک و بورس

واکاوی الگوی تأمین مالی بازسازی بنگاه‌های تولیدی در پسایند بحران

صندوق‌های پروژه، ضمن اینکه به تأمین مالی پروژه‌های احیا کمک می‌شود، می‌توان از بهی همناسبی برای بیمه‌شدگان و مستمری بگیران این صندوق‌ها به ارمان آورد. البته، این امر مستلزم اصلاح قوانین سرمایه‌گذاری نیست و نهادهای ایجاد اطمینان از اینکه آورده‌ها به پروژه‌های بازسازی، به حقوق ذینفعان نهایی طرطه‌ای وارد نخواهد کرد. همچنین، همکاری با سازمان برنامه و بودجه برای تخصیص بهینه اعتبارات دولتی در کنار منابع مردمی، می‌تواند مدل ترکیبی جذابی را برای تأمین مالی ارائه دهد که در آن، سرمایه‌گذاری بخش عمومی به عنوان راهی برای جذب سرمایه‌های بخش خصوصی عمل می‌کند. و بدین ترتیب، با هزینه دولتی کمتر، حجم بیشتری از پروژه‌ها به انجام می‌رسد.

در پایان باید یادآور شد، تأمین مالی بازسازی بنگاه‌های تولیدی در پسیان چندین چالش پروژه خطی و یک‌بعدی نیست که با اکتفا بر یک نگاه یا ابزار مشخص به سرانجامد. بلکه، یکی از مأموریت‌های پیچیده و چنلایه است که براساس «آرایش جنگلی» هوشمندانه و هماهنگی میان تمامی ارکان نظام اقتصادی کشور است. این آرایش، تلفیقی است از نقش‌آفرینی بانک‌ها در تأمین سرمایه در گردش و ارائه مشوق‌های مالی کوتاه‌مدت، و نقش‌آفرینی بازار سرمایه در تأمین مالی بلندمدت از طریق ابزارهای نوین مانند صندوق‌های بازسازی و اوراق باقی‌موقت در این میدان دشوار، در گرو پایبندی به اصول شفافیت، نظارت دقیق، و انضباط پولی و مالی است تا از یک سو، به احیای طرح‌های تولید و بازگشت مالی به‌دنبال اقتصاد کمک کند و از سوی دیگر، با کنترل تورم، در هدررفت سرمایه‌های ملی و تبدیل شدن این مسیر بازسازی به بحرانی جدید جلوگیری نماید. با هماهنگی میان بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار، و شورای تأمین مالی، می‌توان این گذار سخت‌بار را با کمترین هزینه و بیشترین بهره‌وری پشت سر نهاد و بار دیگر، شاهد شکوفایی اقتصاد و بالندگی صنعت در سایه‌ساز ثبات و آرامش بود. پیاده‌سازی موفق این الگو، نه تنها به احیای ظرفیت‌های از دست رفته تولیدی منجر می‌شود، بلکه با تقویت اعتماد عمومی به نظام اقتصادی و کارآمدی نهادهای دولتی، زمینه‌ساز جهشی نوین در توسعه پایدار کشور خواهد شد و درس‌آموخته‌های ارزشمندی را برای مدیریت بحران‌های احتمالی آینده به یادگار می‌گذارد.

اعطایی سررسید شده در دوران جنگ» یا «تعلیق محرومیت‌های ناشی از یک‌بارم در گشتی» برای افسار آسبیده، می‌تواند فاضی تفسی اولی را برای بنگاه‌ها فراهم آورد و از رشد تصاعدی، مطالبات غیرجاری بانک‌ها جلوگیری کند. در کنار این اقدامات، مدیریت دقیق نقدینگی از سوی بانک‌ها برای پاسخگویی به نیازهای مشتریان در شرایط پرنوسان، حفظ امنیت سالیاری در برابر حملات احتمالی، و محافظت و دیپتاستاسی و اطلاعات حیاتی، از دیگر ارکان ضروری برای استمرار خدمات رسانی بانکی در این شرایط جنگی به شمار می‌آید.

نکته حائز اهمیت دیگر، ضرورت ایجاد یک سازوکار شفاف و عادلانه برای اولویت‌بندی بنگاه‌های مشمول بازسازی است. در شرایطی که منابع محدود و تقاضای دریا برای جوه بسیار گسترده است، نمی‌توان به همه بنگاه‌ها به یک چشم نگریست. بنابراین، نیاز به طراحی یک نظام رتبه‌بندی دقیق بر اساس معیارهایی همچون تعداد اشتغال ایجاد شده، میزان ارزش افزوده، جایگاه در زنجیر تأمین، و وابستگی احیا و بازگشت به چرخه سودآوری، برای اجتناب‌ناپذیری است. این نظام رتبه‌بندی باید به گونه‌ای باشد که دسترسی به اولویت بالاتر، در سربل و باز هزینه کمتری به منابع مالی دولتی سپردا پیدا کنند و در مقابل، بنگاه‌های کم‌پیشینی می‌شود بازدهی پایین‌تری داشته باشند یا دارای وابستگی شدید، به وارادت هستند. در اولویت‌بندی این قرار گیرنده، این رویکرد، ضمن افزایش کارایی تخصیص منابع، از هدررفت سرمایه‌های ملی جلوگیری کرده و اعتماد عمومی به

فرایند بازسازی را نیز تقویت می‌کند. بدون چنین سازوکاری، احتمال شکل‌گیری رانت‌خواری و توزیع غیر عادلانه منابع، که خود بحران‌های جدید بر بحران قبلی خواهد افزود، بسیار زیاد است. می‌تواند باعث شود تلاش‌های صورت گرفته نه تنها به نتیجه مطلوب نرسد، بلکه شکاف طبقاتی و نارضایتی اجتماعی را نیز تشدید نماید.

از آوازه‌ای دیگر، نمی‌توان از ظرفیت‌های نهادهای عمومی غیردولتی مانند تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی در این فرآیند غافل شد. این نهادها با دارا بودن حجم عظیمی از نقدینگی و سرمایه‌های مالی، می‌توانند نقش مکملی برای بانک‌ها و بازار سرمایه ایفا کنند. با هدایت بخشی از منابع این صندوق‌ها به سمت خرید اوراق با بازسازی یا مشارکت در

آن نیازمند عزمی جدی و هماهنگ از سوی نهادهای ناظر است. در این میان، بانک مرکزی به عنوان متولی سیاست‌های پولی و ارزی، نقشی حیاتی در ایجاد و تضمین ثبات برای اجرای موفق این برنامه‌ها دارد. یکی از مهم‌ترین خط‌م‌های بانک مرکزی در این مرحله، جلوگیری از تبدیل شدن خود به «فلک» پولش‌گری کسری بودجه دولت و افزایش بی‌ضابطه نقدینگی است که تبعات آن به صورت تورم فاسدگرسیخته بر اقتصاد کشور تحمیل می‌شود. بنابراین، هرگونه تأمین مالی برای بازسازی باید هذفمند و با نظارت دقیق صورت گیرد تا پهنانه‌ای برای هر ک‌رد کنترل تورم و رشد نقدینگی نشود. از سوی دیگر، شورای تأمین مالی به عنوان یک نهاد هماهنگ‌کننده، باید با ایجاد بستری مناسب، تعامل سازنده میان دولت، شبکه بانکی و بازار سرمایه را تسهیل کرده و با تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی، موانع سرمایه‌گذاری را در طرح‌های بازسازی از آن میان بردارد. به عبارت دیگر، اگرچه چالش‌های اقتصادی ایجاد می‌کند که دولت نقش خود را از یک تأمین‌کننده صرف منابع مالی به یک تسهیل‌گر و ضامن ریسک تغییر دهد و از طریق مشوق‌های مالیاتی، تضمین حداقلی بازهی از پولیت در تخصیص ارز، سرمایه‌گذاران را به مشارکت در بازسازی بنگاه‌ها ترغیب کند.

علاوه بر نقش آفرینی بازار سرمایه، نمی توان از نقش اصلاحی و تسهیل گر شبکه بانکی در این میان غافل شد. با وجود محافظه کاری ذاتی بانک ها در شرایط بحران، می توان طراحی سازوکارهای تشویقی و الزامی، آنها را به مشارکت فعالتر ترغیب کرد. یکی از مهم ترین اقدامات در کوتاه مدت، ولولیت های بانک ها به تأمین سرمایه در گردش در بنگاه های کوچک و متوسط است که نقش گلوگاهی در زنجیره های تأمین دارند و با ضرب اشغال بالا، از اهمیت بسزایی در ثبات اجتماعی برخوردارند. بدیهی است که حمایت از این بنگاه ها نه از روی بخشش، بلکه با هدف جلوگیری از خروج آنها از چرخه تولید و ورشکستگی بنگاه های زنجیره ای صورت می گیرد. در این راستا، بانک مرکزی با ایجاد بخشنامه های نظیر «امهال تسهیلات

خلائی نیازمند حضور پررنگ و نقش آفرینی نوینی از سوی بازار سرمایه است.

بازار سرمایه با ماهیت بلندمدت و توانایی گردآوری سرمایه‌های
خرد و کلان، می‌تواند به عنوان یک شرکت‌ساز استراتژیک در فرآیند
بازسازی ظاهر شود و با سرنگین آن در دوش پائین‌ها و دولت
بردار. پشیمانی‌ها که در این میان بسیار کارآمد و متناسب
شرایط بحرانی به نظر می‌رسد، ایجاد نهادهای مانند «صندوق
بازسازی و احیای نگاهداری اقتصادی از طریق بازار سرمایه
است. این صندوق، بازسازی را از قبل که هزینه صرف عمومی به
یک فرصت سرمایه‌گذاری شفاف و قابل سرمایه‌گذاری می‌کند.
بدین ترتیب، منابع مالی نه به صورت وام‌های کوتاه‌مدت، بلکه در
طریق ابزارهای نوینی همچون خرید اوراق بدهی قابل تبدیل به
سهام، افزایش سرمایه یا مشارکت در پروژه‌های بازسازی، به بلند
نگاه‌های تازیر می‌شود. این رویکردهای متعددی به همراه
دارد، اما بازپرداخت اصل و سود سرمایه‌گذاری به سودآوری نقدی
آتی نگاه‌اشده گامی ضروری و ضرورتاً دراز روی جریان نقدی
کوتاه‌مدت آن برمی‌دارد. ثانیه، با ورود صندوق به ساختار سرمایه‌ای
و هیأت مدیره نگاهدار، شفافیت، نظارت و انضباط مالی افزایش
یافته و خطر هدررفت منابع به حداقل می‌رسد. همچنین، این
صندوق‌ها به نوعی به سبب سرمایه‌گذاری‌های خود، ریسک
را پیش‌در کرده و منابعی را نیز برای سرمایه‌گذاران خواهی‌خواه
فراهم می‌آورند. تجربه جهانی، از جمله صندوق احیای اقتصادی
آلمان پس از جنگ جهانی دوم که به یک سرمایه‌گذاری اولیه
به یک منبع گردان مالی برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های
بلندمدت تبدیل شد، گواهی بر کارآمدی این الگو است.

با این حال نقش آفرینی حداکثری بازار سرمایه در بازسازی پس از جنگ، مستلزم اصلاح ساختارها و رفع موانع قانونی و نظارتی موجود است. قوانین بالادستی مانند سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و مواد مرتبط در برنامه هفتم پیشرفت، با تأکید بر الزام نهادهای مالی به استفاده از ظرفیت‌های قانونی برای تأمین مالی بخش‌های مولد، زمینه‌ساز چنین مشارکتی هستند، اما اجرای

گروه اقتصاد- امید ایرانی - میراث شوم جنگ، فراتر از غبار ویرانی بر سازه‌های فیزیکی، دامن گیر روح تولید و سرمایه‌گذاری در یک کشور می‌شود. هنگامی که رواج رفرو می‌شینید، چشم اندازی از تجهیزات از کارافتاده، زنجیرهای تأمین گسسته و سرمایه‌های انسانی پراکنده، تصویری هراس‌انگیز از آینده مبهم را ترسیم می‌کند. در این میان، نگاه‌های تولیدی که قلب تپنده اقتصاد هر کشوری محسوب می‌شوند، بیش از سایر بخش‌ها آسیب می‌بینند و احیای آنها نه یک انتخاب که یک ضرورت انکارناپذیر برای بازگشت به مسیر تایت و دست‌آست. اما مسوولان خودی در این باره به حساس مطرح می‌شود، به سرچشمه مالی این بازسازی عظیم بازمی‌گردد. دولتی که با کسری بودجه‌ای مزمن و ساختاری دست و پنجه نرم می‌کند، به ناچار از دیگر درونه‌های تأمین مالی این پروژه عظیم خارج می‌شود. از سوی دیگر، بخش خصوصی که روز در تکتانی نقدینگی و رکود فرو رفته، توانی برای این امر ندارد و سرمایه‌گذاری خارجی نیز در سایه تحریم‌های مالی، الملی، اگر نگویم غیر ممکن، به غایت دشوار و پریسک جلوه می‌کند. اینجاست که بار اصلی این مسئولیت خطیر، بر دوش دولتی کلدی نظام مالی کشور (و آرایش جنگی) همدند و هماهنگ می‌کند، و ضرورت یک «پروژه جنگی» همدند و هماهنگ می‌آید، دو نهاد، بیرون از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

با این حال، واقعت‌های میدانی نشان می‌دهد که شبکه بانکی کشور، با ساختار کنونی خود، به سختی می‌تواند از عهده این امور مرتبط خطیر برآید. بانک‌ها در شرایط عادی نیز با چالش‌های ساختاری و عملیاتی از جمله نبودن یک دارایی مالی منجمد و مطالبات غیر جاری، و محدودیت‌های ناشی از کنترل مقداری ترازنامه و الزامات احتیاطی بانک مرکزی مواجه هستند. در شرایط پس از جنگ که عدم اطمینان و اوج خود می‌رسد، ریسک‌پذیری بانک‌ها به شدت کاهش می‌یابد. این امر با تسر از افزایش مطالبات غیرجاری در نتیجه نکول تسهیلات‌دهی به بنگاههای آسیب‌دیده، و همچنین گرانای هجوم احتمالی سپرده‌گذاران بر برداشت وجوه خود، به طور طبیعی محافظه کارانه‌ترین رویکرد را در پیش می‌گیرد. برآیندهای ارزیابی طرح‌های بلندمدت نیز در چنین شرایطی با پیچیدگی‌های وجودی و چندیانی روبروست. عدم دانستن تأثیر کافی، و صورت‌های مالی قابل اتکا از سوی بنگاههای آسیب‌دیده، بانک‌ها را در دوراهی تأمین مالی یا پرهیز از ریسک، به نفع گزینه دوم سوق می‌دهد. بنابراین، با وجود اینکه بانک‌ها خط مقدم مبارزات جریان‌های پولی و تأمین سرمایه در گردش قرار دارند، اما برای پروژه‌های کلان بازاری که نیازمند منابع مالی بلندمدت و ریسک‌پذیر هستند، گزینه ایده‌آل به شمار نمی‌روند و این

اڳي موضوع ماده ۳ قانون ۱۳ آئين نامه قانون تعيين تکليف وضعيت ثبتي واراڻي وساختمانڀاي فاقه سندرسمي وموضوع اهم نامه في مابين سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزارت جهاد کشاورزي و دستورالعمل ۹۹/۹۳۷۵۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۹ في مابين سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزارت جهاد کشاورزي.

برابر آراء صادره هیات‌بهای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی مهاباد تصرفات مالکانه و بااعلامراض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به دستور سند مالکیت متقاضیان اعتراض داشته باشند، (برابر ماده ۴۲ ق. ت. ب)، می توانند اعتراض خود را در مهلت مذکور اعلام نمایند.

در خصوص املاک شماره ۱۰۷۸ و ۱۰۷۹ واقع در دهستان و اسد آباد و شهرستان مهاباد تسلیم و پس از آن رسید، ظرف مدت یک سال تاریخ اعتراض به مرجع ذیصلاح قضایی مراجعه و نسبت به تنظیم دادخواست اقدام نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را در اختیار خود و طرف مقابل حقوق یک ماهه قرار دهند و اسناد املاک مهاباد را نیز در غیر این صورت پس از انقضای مهلت مذکور چنانچه متقاضی ثبت نام ننمایند قانونی نباشد و در دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست راخذ و ارائه ننمایند بنوجه بعد اعتراض مطابق مقررات سند مالکیت بنام متقاضی ثبت صادر خواهد شد.

انوار درویشی نسبت به ششداغ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۳۳/۱۵۰ متر مربع در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده رشان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده مسلمانی و سواره هر دو خان زادی باسویه به ششداغ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۱۹۶/۵۹، ۷۲۱۶/۱۶ در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده رشان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده موسسی خاززادی کلب رضاخان نسبت به ششداغ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۶۰۳۹/۹۸، ۲۶۰۳۹/۹۸ در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده رشان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده شهین و شهبلا و طاهر و هادی همگی فرامرز بی به ترتیب به نسبتهای ۴۴۴۴/۰۹، ۱۷۱۷۰/۰۹، ۸۵۵۵/۴۳ و ۸۵۵۵/۴۳ سهم مشاع از ۶۸۴۸۳/۹۱ سهم ششداغ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۸۴۸۳/۹۱ سهمین و شهبلا و طاهر و هادی همگی فرامرز بی به ترتیب به نسبتهای ۴۴۴۴/۰۹، ۲۸۱۴۹/۷۸، ۷۰۲۷۴/۴۴ و ۷۰۲۷۴/۴۴ سهم مشاع از ۵۶۲۹۹/۵۵ سهم ششداغ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۶۲۹۹/۵۵ در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده رشان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده شهین و شهبلا و طاهر و هادی همگی فرامرز بی به ترتیب به نسبتهای ۲۳۵۸/۹۶ و ۳۸۲۱/۹۸، ۱۸۴۱/۹۸ و ۱۸۴۱/۹۸ سهم مشاع از ۱۴۷۲۱/۹۹ سهم ششداغ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۷۲۱/۹۹ سهمین و شهبلا و طاهر و هادی همگی فرامرز بی به ترتیب به نسبتهای ۲۳۵۸/۹۶ و ۳۸۲۱/۹۸، ۳۸۲۱/۹۸ و ۳۸۲۱/۹۸ سهم مشاع از ۴۱۱۱۷/۲۵ سهم ششداغ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۱۱۱۷/۲۵ در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده رشان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده شهین و شهبلا و طاهر و هادی همگی فرامرز بی به ترتیب به نسبتهای ۲۰۵۵۸/۴۳ و ۱۰۲۷۳/۲۱، ۵۱۳۱۳/۶۶ و ۵۱۳۱۳/۶۶ سهم مشاع از ۴۱۱۱۷/۲۵ سهمین و شهبلا و طاهر و هادی همگی فرامرز بی به ترتیب به نسبتهای ۱۷۱۷۰/۰۹، ۸۵۵۵/۴۳ و ۸۵۵۵/۴۳ سهم مشاع از ۳۳۱۲۷/۵۷ و ۳۳۱۲۷/۵۷ سهم ششداغ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۱۲۷/۵۷ در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده رشان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده شهین و شهبلا و طاهر و هادی همگی فرامرز بی به ترتیب به نسبتهای ۳۴۴۱/۵۷ و ۱۷۱۷۰/۰۹، ۸۵۵۵/۴۳ و ۸۵۵۵/۴۳ سهم مشاع از ۶۸۴۸۳/۹۸ سهم ششداغ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۸۴۸۳/۹۸ در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده رشان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده

شیرکو و بیزن همگی پیر بسایو نسبت به ششادگان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۰/۸۷ متر مربع در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده‌شان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده اداری، بانویکر ملک نسبت به ششادگان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۳/۱۹ متر مربع در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده‌شان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده اداری، بنسبت به ششادگان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۴۵۷/۱۱ متر مربع در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده‌شان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده اداری، علی‌الدین غزال بور نسبت به ششادگان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۸۲۸۳/۱۲ متر مربع در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده‌شان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده اداری، قاسم غزال بور نسبیت به ششادگان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۹۹۸/۹۲ متر مربع در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده‌شان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده اداری، مرتضی نمونی نسبیت به ششادگان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۰۷۶۹/۹۱ متر مربع در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده‌شان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده اداری، سید محمدعلی بیژن پور نسبیت به ششادگان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۸۰۰/۵۵ متر مربع در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده‌شان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده اداری، حسن سلیمان نسبیت به ششادگان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۹۲۳۷/۹۹ متر مربع در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده‌شان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده اداری، حسن باقر یازدلی نسبیت به ششادگان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۶۴۸۲/۱۳ متر مربع در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده‌شان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده اداری، پیروز و اسماعیل زاده نسبیت به ششادگان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۹۹۵/۵۸ متر مربع در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده‌شان موضوع برابر مدارک موجوددر پرونده اداری، شهیار و شاهراه و هادی همگی فارمزی به ترتیب به استثنایی ۹۶۴۸۹/۳۷ و ۱۷۴۳۱/۰۹ و ۱۵۸۷۱/۰۹ و ۱۵۸۷۱/۰۹ سهم ششادگان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۶۹۸/۷۴ و ۱۲۶۹۸/۷۴

مصطفی پختار اور خطابی نسبت به ششادنگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۱/۳۱۹ متر مربع در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده رشان موضوع برابر مدارک موجود در پرونده مصطفی پختار و خا خطابی نسبت به ششادنگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۸۵/۵۲ متر مربع در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده رشان موضوع برابر مدارک موجود در پرونده مصطفی رسولی نسبت به ششادنگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۲۰/۹۴ متر مربع در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده رشان موضوع برابر مدارک موجود در پرونده مصطفی پختار و خا خطابی نسبت به ششادنگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۳۲/۴۲ متر مربع در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده رشان موضوع برابر مدارک موجود در پرونده محمدزاده و خالد و ابوبکر و عزیز و رحمان همگی بایزیدی بالاسوه نسبت به ششادنگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۱۲/۸۸ متر مربع در قسمتی از ۵۲-اصلی بخش ۱۶ مهاباد روستای برده رشان موضوع برابر مدارک موجود در پرونده

[illegible]

شناسه آگهی: ۲۲۱۹۸۵۵

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک منطقه دو گران

بیّن تکلیف و وضعیت ثبتي

[illegible][illegible]

شناسه اعمی: ۲۲۲۵۲۵۱
سید عیسی میر کاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان
از طرف احمد نبویان

«آگهی اعلام مفقودی اسناد خودرو»

سند رسمی مالکیت وسیله نقلیه(برگ سبز)سند و فاکتور فروش
دورو (برگ کمپانی) و کارت شناسایی خودرو و سواری سیستم پژو
۲۰۶ مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور: ۴۵۳۲۹۸، ۱۴۱۸۹۰۴، شمارا
باسی: ۷۴۸۶۸۸BJ۱۳۰۳D NAAPشناسه(VIN) وسيله
لیه: ۰۱۴۸۶۸۸J۱۳0۱IRFC۸۹۱۷۱۰ شماره پلاک انتظامی
۲۸/۱۳۸۲-۲۲ به نام مالک خانم ساناز دوستی کهپهار
زادنامیر متولد ۱۳۶۱.۰۶.۳۱ به شماره شناسنامه ۷۷۵۴
ماره ملی ۱۳۴۸۷۳۳۰۰ مفقود از درجه اعتبار ساقط است.
بهارستان-۵۰۸۷

«آگهی اعلام مفقودی اسناد خودرو»

سند رسمی مالکیت وسیله نقلیه (برگ سبز) خودرو
سواری سیستم رانا تیپ TU5 مدل ۱۳۹۳ به شماره
موتور: ۱۶B۰۰۹۴۰۱۰ ، شماره شاسی:
NAAU۰۱FE۱ET۰۵۹۶۵۰ شناسه (VIN) وسیله
نقلیه: ۰۵۹۶۵۰IRFC۹۳۱۷۲۲I و شماره پلاک
انتظامی ۵۸۱ط۱۴۷/ایران- ۳۳ به نام مالک آقای قربانعلی
کرمی به شماره ملی ۶۴۷۹۵۴۵۶۹ مفقود واز درجه اعتبار
ساقط است./ باط ک به- ۵۰۸۸

مناقصه عمومی یک مرحله ای

م



اداره کل
بنیاد شهید
و امور ایثارگران
استان اردبیل

و حمل و نقل درون استانی و برون استانی خود را از طریق متفصله عمومی به شما میداند. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی www.setad.ir انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:
تا، بخانتشار

مهلت در بافت اسناد فرخوان: ۱۴۰۵/۰۵/۰۱

مهلت ارسال پیشنهادات: ۴۰۵/۰۵/۱۱

زمان بازگشایی پکت‌ها: ۱۴۰۵/۰۵/۱۱

۱۴۰۰۱۸۴۶۲۲ بنام بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اردبیل
ان اردبیل - طبقه اول واحد پشتیبانی

تلفن تماس: ۰۹۱۴۱۵۷۳۱۹۰ (جلال ذاکر)

اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اردبیل

10